



تأثیر پیامک‌های تهدیدآمیز مخالفان FATF

حضور جهانگیری، ظریف و همتی در شورای نگهبان

گروه سیاست: «معیار و ملاک شورای نگهبان شرع مقدس و قانون است و امیدواریم که نتیجه عملکرد ما به نفع اسلام و انقلاب و تضمین‌کننده عزت کشور باشد»؛ این جمله آیت‌الله احمد جنتی، دبیر شورای نگهبان، درباره FATF بعد از جلسه...

صفحه ۲

پنجشنبه ۲۶ مهر ۱۳۹۷ • ۸ صفر ۱۴۴۰ • ۱۸ اکتبر ۲۰۱۸

تپه‌ها

واکنش به حضور زنان در ورزشگاه آزادی

● دادستان کل کشور: با مدیری که زمینه حضور بانوان

در ورزشگاه را فراهم کند، برخورد می‌شود

● ضرغامی: تهدید مدیران ورزش به برخورد قضائی شایسته نیست

● مطهری: مصادیق شما فوتبال را شامل نمی‌شود

صفحه ۱۴

کریمی قدوسی رؤسای ۲ قوه را به خیانت متهم کرد

صفحه ۲۰

مواجهه اصلاح‌طلبان با FATF انفعالی است؟

صفحه ۲



نامزد بهترین بازیگر در ۲۸ سالگی

صفحه ۱۰۰

حرف اول

قانون علیه افکار عمومی

حبیب‌الله معظمی - پژوهشگر اجتماعی



«قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان» تازه‌تصویب‌شده قرار است به‌زودی در مجلس و احتمالاً با قید دوفوریت (اگر نه سه‌فوریت) در دستور کار مجلس قرار گیرد و اصلاح شود. این اصلاح به این منظور است که اثربخشی این قانون را تا قبل از ۲۶ آبان که باید درباره همه مشمولانش اجرا شود، محدود کند.

این قانون امسال:

- در دوم مرداد به تصویب مجلس رسید؛
- در ۲۳ شهریور به تأیید شورای نگهبان رسید (جنبه قانونی یافت)؛
- در ۲۷ شهریور از طرف رئیس‌جمهور ابلاغ شد (جنبه اجرایی یافت).
مشاهده می‌شود که عمر این قانون از زمان قانونی‌شدن تا زمان طرح تجدیدنظر آن در جامعه، به یک ماه نمی‌رسد! چراکه متاثر از فشار افکار عمومی، همه دستگاه‌ها بعد از تصویب این قانون خود را در اجرای آن جدی نشان دادند و چون چنین شد، تعدادی از مسئولان بازنشسته کناره‌گیری و خداحافظی اجباری با مستند قدرت را عملی کردند و عقرب‌پد دیدند بنابراین بیش از یک هفته است که طرح اصلاح این قانون به‌طور جدی در فضای عمومی کشور مطرح شده است؛ در کمتر از یک ماه از ابلاغ آن. این واقعیتی در جامعه ماست که ریشه برخی تصمیمات مراکز تصمیم‌گیری در پاره‌ای باورهای غلط، روبرابستی‌ها، عدم ملاحظه عمق تاریخی تصمیم خود، نبود درک درست و کامل و غفلت از افکار عمومی و بالاخره تأثیرپذیری از سلطه ساختار نظام تصمیم‌گیری بر محتوای تصمیم است. قانون منع به‌کارگیری بازنشستگان که موارد نادر تصمیم‌گیری‌های کلان در جامعه بود که در شرایط خاص اجتماعی کشور (که حدود دو سال اخیر از خبرهایی از سوءاستفاده از قدرت مملو شده است، با اقبال عمومی و علامت مثبت افکار عمومی مواجه شد و مردم با لحظه‌لحظه این تصمیم‌گیری زندگی کردند و اکنون هم نظاره‌گر چگونگی اجرای آن هستند. کسانی که قصد اصلاح این قانون را در بعد از یک ماه از یک ماه از عمر آن دارند، آیا در برابر این اقبال پاسخی دارند؟ از این گذشته، افکار عمومی چگونه بعداً به برگزیدگان کنونی خود یا هم‌فکران آنها که در معرض برگزیدن آتی قرار می‌گیرند، اعتماد کند که آنها از دوراندیشی‌ای که لازمه ذاتی قانون و قانون‌گذار است، برخوردارند؟

ادامه در صفحه ۴



۳ بانک ایرانی خارج از گود تحریم

در لیست سیاه وزارت خزانه‌داری آمریکا، کدام بخش کمتر ضرر می‌کند؟

شرق: دو هفته پیش از آغاز تحریم‌های وعده‌داده‌شده از سوی آمریکا، وزارت خزانه‌داری آمریکا ۲۰ شرکت را به بهانه تحریم‌های ضدتروریستی در لیست سیاه تحریم قرار داد. سه بانک ایرانی و چندین شرکت صنعتی و معدنی در مجموعه این لیست قرار گرفته‌اند. بر اساس توییت وزارت خزانه‌داری



روایت سردار جلالی از شنود مکالمات در مذاکرات برجام

صفحه ۲

مقام معظم رهبری: دستور کار دشمن تصویرسازی منفی از ایران است



صفحه ۳

عکس: پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری

یادداشت

آمریکا را بهتر بشناسیم

صدای اعتراض آنها برای کمبود دستمزد و امکانات زندگی به آسمان می‌رسد. میلیون‌ها آفریقایی‌تبار که اجداد آنها به صورت برده به آمریکا آورده شده بودند، از کشف قاره آمریکا، به‌تدریج به آن قاره کوچ کرده‌اند. از تاریخ کشف قاره آمریکا به دست کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲ تاکنون، تغییرات بسیار خیره‌کننده‌ای در آن قاره روی داده است. نخست اینکه مردم بومی آنجا که در آغاز به اشتباه «هندی» خوانده شدند و ده‌ها هزار سال با آرامش در آنجا زندگی می‌کردند، به دو دلیل ناپدید شدند؛ یکی به دلیل گسترش آنها به دست مهاجران اروپایی به‌خاطر مقاومت در برابر تسلیم و برده‌شدن و دیگری به دلیل بیماری‌های واگیرداری که مهاجران اروپایی برای ساکنان بومی آمریکا به ارغامان برده بودند. امروز جمعیت بومی آمریکا به کمتر از سه میلیون نفر رسیده است و چون این مردم زیر بار تابعیت تحمیلی اروپایی‌ها نرفتند، امروز هم در «کمپ‌های» قائل‌اند نمی‌پذیرند و برداشتی منفی از توانایی‌های ایالات متحده آمریکا و رئیس‌جمهوری کنونی آن دارند. از سوی دیگر، هستند کسانی که تصور می‌کنند آمریکا به دلیل توانایی و قدرت اقتصادی، کشوری خودکفا است که نیازی به همکاری با کشورهای دیگر ندارد و حتی از سازمان ملل و یونسکو نیز تبعیت نمی‌کند. این تفاوت دیدگاه‌ها در پرسش ناظران بی‌طرف، نشان‌دهنده دامنه گسترده‌ای از برداشت‌های متفاوت است. برخی از ناظران با توجه به رفتار دونالد



احمد عظیمی‌بلوریان
استاد پیشین مریدند

ترامپ، می‌پرسند آیا مردم آمریکا خود را بی‌نیاز از جهان می‌دانند و رفتار خشن رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا در برخورد با سران کشورهای جهان، بازتابی از این بی‌نیازی است؟ به گمان نگارنده، تنوع نژادی مردم آمریکا درست عکس این دیدگاه را بازتاب می‌دهد. آمریکا مجموعه‌ای از مردم جهان است که در اعصار مختلف به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند و تک‌تک مهاجران آن، سرخ‌ان ارتباط خود را به شکلی باطن اصلی خود حفظ کرده‌اند. خشم، کینه‌ورزی و برخورد‌های تحقیرآمیز ترامپ با سران کشورهای دیگر را نباید بازتاب ارزش‌های جامعه آمریکا دانست. رفتار رئیس‌جمهور کنونی بیش از اینکه نشان‌دهنده مطلق‌بودن قدرت آمریکا در جهان باشد، ناشی از روحیه شخصی ترامپ است که در یک خانواده «کارفرما» به دنیا آمده و کارفرمایی را به ارث برده و به آن خو گرفته است. این یک مورد استثنائی در تاریخ آمریکاست.

خوب یا بد، دولت آمریکا را مردم آمریکا ساخته‌اند. در اینجا نیازی نیست وارد تاریخ مدنی و سیاسی آمریکا بشویم، اما تشخیص ساختاری مردم آمریکا به درک رفتار سیاسی آمریکا کمک می‌کند. مردم آمریکا کلکسیونی از نژادهای مردم جهان با ارزش‌های بسیار متفاوت فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هستند که پس از کشف قاره آمریکا، به‌تدریج به آن قاره کوچ کرده‌اند. از تاریخ کشف قاره آمریکا به دست کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲ تاکنون، تغییرات بسیار خیره‌کننده‌ای در آن قاره روی داده است. نخست اینکه مردم بومی آنجا که در آغاز به اشتباه «هندی» خوانده شدند و ده‌ها هزار سال با آرامش در آنجا زندگی می‌کردند، به دو دلیل ناپدید شدند؛ یکی به دلیل گسترش آنها به دست مهاجران اروپایی به‌خاطر مقاومت در برابر تسلیم و برده‌شدن و دیگری به دلیل بیماری‌های واگیرداری که مهاجران اروپایی برای ساکنان بومی آمریکا به ارغامان برده بودند. امروز جمعیت بومی آمریکا به کمتر از سه میلیون نفر رسیده است و چون این مردم زیر بار تابعیت تحمیلی اروپایی‌ها نرفتند، امروز هم در «کمپ‌های» قائل‌اند نمی‌پذیرند و برداشتی منفی از توانایی‌های ایالات متحده آمریکا و رئیس‌جمهوری کنونی آن دارند. از سوی دیگر، هستند کسانی که تصور می‌کنند آمریکا به دلیل توانایی و قدرت اقتصادی، کشوری خودکفا است که نیازی به همکاری با کشورهای دیگر ندارد و حتی از سازمان ملل و یونسکو نیز تبعیت نمی‌کند. این تفاوت دیدگاه‌ها در پرسش ناظران بی‌طرف، نشان‌دهنده دامنه گسترده‌ای از برداشت‌های متفاوت است. برخی از ناظران با توجه به رفتار دونالد

ترامپ، می‌پرسند آیا مردم آمریکا خود را بی‌نیاز از جهان می‌دانند و رفتار خشن رئیس‌جمهوری کنونی آمریکا در برخورد با سران کشورهای جهان، بازتابی از این بی‌نیازی است؟ به گمان نگارنده، تنوع نژادی مردم آمریکا درست عکس این دیدگاه را بازتاب می‌دهد. آمریکا مجموعه‌ای از مردم جهان است که در اعصار مختلف به این سرزمین مهاجرت کرده‌اند و تک‌تک مهاجران آن، سرخ‌ان ارتباط خود را به شکلی باطن اصلی خود حفظ کرده‌اند. خشم، کینه‌ورزی و برخورد‌های تحقیرآمیز ترامپ با سران کشورهای دیگر را نباید بازتاب ارزش‌های جامعه آمریکا دانست. رفتار رئیس‌جمهور کنونی بیش از اینکه نشان‌دهنده مطلق‌بودن قدرت آمریکا در جهان باشد، ناشی از روحیه شخصی ترامپ است که در یک خانواده «کارفرما» به دنیا آمده و کارفرمایی را به ارث برده و به آن خو گرفته است. این یک مورد استثنائی در تاریخ آمریکاست.

خوب یا بد، دولت آمریکا را مردم آمریکا ساخته‌اند. در اینجا نیازی نیست وارد تاریخ مدنی و سیاسی آمریکا بشویم، اما تشخیص ساختاری مردم آمریکا به درک رفتار سیاسی آمریکا کمک می‌کند. مردم آمریکا کلکسیونی از نژادهای مردم جهان با ارزش‌های بسیار متفاوت فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هستند که پس از کشف قاره آمریکا، به‌تدریج به آن قاره کوچ کرده‌اند. از تاریخ کشف قاره آمریکا به دست کریستف کلمب در سال ۱۴۹۲ تاکنون، تغییرات بسیار خیره‌کننده‌ای در آن قاره روی داده است. نخست اینکه مردم بومی آنجا که در آغاز به اشتباه «هندی» خوانده شدند و ده‌ها هزار سال با آرامش در آنجا زندگی می‌کردند، به دو دلیل ناپدید شدند؛ یکی به دلیل گسترش آنها به دست مهاجران اروپایی به‌خاطر مقاومت در برابر تسلیم و برده‌شدن و دیگری به دلیل بیماری‌های واگیرداری که مهاجران اروپایی برای ساکنان بومی آمریکا به ارغامان برده بودند. امروز جمعیت بومی آمریکا به کمتر از سه میلیون نفر رسیده است و چون این مردم زیر بار تابعیت تحمیلی اروپایی‌ها نرفتند، امروز هم در «کمپ‌های» قائل‌اند نمی‌پذیرند و برداشتی منفی از توانایی‌های ایالات متحده آمریکا و رئیس‌جمهوری کنونی آن دارند. از سوی دیگر، هستند کسانی که تصور می‌کنند آمریکا به دلیل توانایی و قدرت اقتصادی، کشوری خودکفا است که نیازی به همکاری با کشورهای دیگر ندارد و حتی از سازمان ملل و یونسکو نیز تبعیت نمی‌کند. این تفاوت دیدگاه‌ها در پرسش ناظران بی‌طرف، نشان‌دهنده دامنه گسترده‌ای از برداشت‌های متفاوت است. برخی از ناظران با توجه به رفتار دونالد

جمهوری خواهان از این نظر در برابر رفتارهای ترامپ سکوت می‌کنند که بر عیوب او سربوش بگذارند. اگر آنها هم مانند دموکرات‌ها به انتقاد از ترامپ بپردازند و دست به افشاگری بزنند، آرای خود را در انتخابات بعدی از دست خواهند داد. تنها دعا می‌کنند که خدا ترامپ را به راه راست و شناخته‌شده جمهوری خواهان هدایت کند. دلیل عمده دیگر برای رفتار غیرمتعارف دولت ترامپ در بی‌اعتنایی به دیگر قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای این است که آمریکا قدرت خود را در ۵۰ سال گذشته به‌تدریج از دست داده است. دولت ترامپ در تلاش است که اگر امکان داشته باشد بخشی از قدرت از دست‌رفته را دوباره به چنگ آورد، نه اینکه به دنیا بی‌اعتنایی کند. جنگ‌های جهانی اول و دوم که توسط اروپایی‌ها به راه افتاد، موجب کاهش قدرت اروپا و از دست‌رفتن مستعمرات آنها شد. هر مستعمره اروپایی که به استقلال نسبی رسید، راه را برای نفوذ آمریکا باز کرد. اما آمریکا نتوانست مستعمرات اروپاییان را برای خود حفظ کند. به عبارت دیگر، آمریکا در جهان‌گشایی موفق بود اما در جهان‌داری شکست خورد. برخی از حکومت‌های کوچک اما ثروتمند مانند امارات خلیج فارس و عربستان هم در دوره پایانی وابستگی به آمریکا به سر می‌برند و ای بسا استقلال خود را در آینده نزدیک به دست آورند. حتی کشمکش‌های درونی آمریکا با آسیای غربی نیز گویای شرایطی، کابینه از خود کارآمدی نشان دهد و استانداردهای معمول زندگی مردم را ایجاد کند، تعریف یک دولت موفق را دارد. مسائلی نظیر زلزله‌های متناوب، سیل، خشک‌سالی، معضل محیط زیست و ریزگردها و... برای هستند که مردم ایران بستانه و در این مسیر بین این جناح و آن جناح و حتی اعلام مذاکره و تفاهم، تفاوتی برای او وجود ندارد نیز از دشواری‌های جدی دولت است. علاوه بر کاهش اقتدار ایران به‌عنوان کشور زمانی خاورمیانه، هدف بدخواهان ایران ایجاد زمینه نارضایتی برای تجزیه ایران است. ایران متحد و یکپارچه می‌تواند هر زمانی با ایجاد سامانه مدیریت کارآمد به یک قدرت منطقه‌ای کامل بدل شود و این برای کشورهای منطقه پذیرفتنی نیست. متأسفانه برخی از کج‌سیاسی‌ها و رقابت‌های مخرب با دولت، به دوچندان شدن مشکلات می‌انجامد.

سرمقاله

امید مردم چگونه زنده شود؟

احمد شیرزاد - استاد دانشگاه



بعد از انتخابات ۲۹ اردیبهشت و ورود روحانی به پروسه انتخاب همکاران خود در کابینه دوازدهم، تصور برخی محافل این بود که با فشار می‌توانند پیچ دولت را به سمت کاهش بچرخانند. بنا این بود که این پالس به رئیس‌جمهور مخابره شود که اگر به سمت شعارهای اصلاح‌طلبانه و استفاده از مدیران شاخص در سطح وزرا حرکت کند، با برخورد‌هایی جدی مواجه می‌شود. به نظر می‌رسد این اتفاق سبب شد رئیس‌جمهور با احتیاط بیشتری کابینه را معرفی کند که در پروسه برخی وزرا نظیر وزیر علوم، خود را نشان داد. انتقاد از حسن روحانی این روزها رواج دارد بی‌آنکه شرایط و مقتضیات دولت در نظر گرفته شود. حتماً رئیس‌جمهور علاقه‌مند است فردی خوشنام در تاریخ ایران و در نزد مردم باقی بماند. جریان مقابل نیز روحانی را در شرایطی قرار داده که با کمترین میزان هوشمندی برای آینده سیاسی، حاضر نخواهد بود خود را کنار آنها تعریف کند. دیدار اخیر رئیس‌جمهور و اصلاح‌طلبان، نشان داد رئیس‌جمهور از رفتار طرف مقابل با او و دولتش در دوران سخت کنونی کله‌مند است. آنچه رئیس‌جمهور نباید فراموش کند این است که با کارآمدی دولت خود و توسعه هرچه بهتر ایران و بهبود شرایط مردم، مقابل مجهم‌ها بایستد. به همین دلیل است که تک‌تک وزرا و اعضای دولت را در این زمینه مؤثر می‌دانم و معتقد نیستم افراد نقشی در سیستم ندارند. بین دکتر فرجی‌دانا با سایر مدیرانی که در مسئولیت‌های ارشد وزارت علوم بوده‌اند، تفاوت‌هایی جدی وجود داشت. بین مهندس زنکنه و یک چهره دیگر تفاوت معناداری وجود دارد. دکتر روحانی در دولت یازدهم از ۷۰ درصد انتخاب‌های خود محروم بود و انتظار این بود که در کابینه دوازدهم، این تقیصه با توجه به تغییر فضای مجلس و کشور، جبران شود. در بین مدیران میانی نسبتاً جوان، تکنوکرات‌های کاربلد و متخصص اقتصاد و صنعت حضور دارند که به دلیل تحصیلات عالیه به اصلاح‌طلبی میل دارند. دنیا و تحولات آن را می‌فهمند و در دانشگاه‌های شناخته‌شده داخلی و خارجی تحصیل کرده‌اند. اگر این چهره‌ها دعوت به کار شوند و جای چهره‌های بی‌انگیزه دولت را بگیرند، در کابینه دوم، آقای روحانی کمتر صدای تنها خواهد بود و پژواک‌های دیگری هم وجود خواهد داشت. اکنون فرصت این تغییرات فراهم شده و می‌توان برای دو وزارتخانه‌ای که وزرای آن استیضاح شده‌اند و شاید دو، سه وزارتخانه و معاونت دیگر، چهره‌های بال‌انگیزه و توانا را به همکاری دعوت کرد. اگر دولت پیش از آغاز استیضاح‌ها و پس از مشخص‌شدن مشکلات اقتصادی اواخر سال گذشته و اوایل امسال، به دست خودش نوعی نوگرایی در کابینه را کلید می‌زد، می‌توانست فضایی امید ایجاد کند. با وجود متحصرماندن تغییرات به رئیس کل بانک مرکزی نتیجه‌ای تقریباً مثبت حاکم شد و حالا هم می‌توان این روند را ادامه داد. می‌دانیم در یک سال گذشته مجموعه دولت و مردم شرایط دشواری را گذراندند. گلایه‌هایی نیز وجود داشت که به دلیل دیده‌نشدن تغییر محسوسی در زندگی مردم مطرح می‌شود؛ اما اگر در چنین شرایطی، کابینه از خود کارآمدی نشان دهد و استانداردهای معمول زندگی مردم را ایجاد کند، تعریف یک دولت موفق را دارد. مسائلی نظیر زلزله‌های متناوب، سیل، خشک‌سالی، معضل محیط زیست و ریزگردها و... برای هستند که مردم ایران بستانه و در این مسیر بین این جناح و آن جناح و حتی اعلام مذاکره و تفاهم، تفاوتی برای او وجود ندارد نیز از دشواری‌های جدی دولت است. علاوه بر کاهش اقتدار ایران به‌عنوان کشور زمانی خاورمیانه، هدف بدخواهان ایران ایجاد زمینه نارضایتی برای تجزیه ایران است. ایران متحد و یکپارچه می‌تواند هر زمانی با ایجاد سامانه مدیریت کارآمد به یک قدرت منطقه‌ای کامل بدل شود و این برای کشورهای منطقه پذیرفتنی نیست. متأسفانه برخی از کج‌سیاسی‌ها و رقابت‌های مخرب با دولت، به دوچندان شدن مشکلات می‌انجامد.

ادامه در صفحه ۴

نعمت‌زاده:

دخترم بدهکار است که باید پرداخت کند

گروه اقتصاد: وزیر سابق صمت با بیان «پرونده بدهی دخترم ارتباطی به دارو ندارد، اما برخی با شیطنت‌هایی می‌خواهند این موضوع را سیاسی کنند» گفت: دخترم یک بدهکار است که باید بدهی خود را پرداخت کند...

صفحه ۴

سال شانزدهم • شماره ۳۲۷۱ • ۱۶ صفحه • ۲۰۰۰ تومان